



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی پدیده طلاق و پیامدهای ضد تربیتی آن در کودکان طلاق

مهدی تپه رشی^۱، محمد همتی^۲

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: hemati6681997@gmail.com

چکیده:

ما در این مقاله به پژوهش روایی در زمینه ی طلاق و پیامدهای آن پرداخته ایم که دارای بخش های مقدمه با موضوعات طلاق و تاریخچه آن ، علل طلاق، پیامدهای طلاق، کنار آمدن با طلاق، فرزندان طلاق، شناخت بهتر و کافی و لازم زوج از یکدیگر، انواع طلاق و آمار طلاق در ایران است.

سپس به طرح مسئله و ضرورت و اهمیت طلاق پرداخته ایم و بعد علل طلاق را مقوله بندی کرده و هر یک را کدهایی دادیم و سپس به روایت یک گزارش به شیوه مصاحبه پرداختیم و مراحل تعریف عملیاتی و روش تحقیق (کیفی) و نتیجه گیری ، پیشنهادات و تقدیر و تشکر و ذکر منابع را آورده ایم.

در این مقاله سعی شده است به صورت کلی و در حد انتظار به موضوع طلاق و علل و پیامدهای آن پرداخته و آن را تجزیه و تحلیل کنیم چرا که طلاق موضوعی گسترده است و دارای کتابها و مقالات فراوانی همراه با تجربه زیستن، بطور فراوان وجود دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مقدمه:

پدیده طلاق یکی از معضلات جامعه بشری از گذشته تا بحال بوده است و خواهد بود، و آن، این است که زمانی که، یک جنس مذکر و یک جنس مؤنث باهم عهد و پیمان زندگی مشترک را می بندند، مدتی بعد به دلایل مختلف از جمله شناخت ناکافی از هم، باهم اختلاف پیدا کرده و منجر به طلاق و جدایی خواهد شد.

بباید این تفکر را که جدایی یک شکست است را از ذهن خود دور کرده و این باور را جایگزین آن کنیم که: جدایی به معنای رهایی و بدست آوردن آزادی از شرایط نامناسب و فشار روانی زندگی زناشویی است.

ریشه های جدایی را باید در نوع ازدواج جستجو کرد ازدواج هایی که بدون آگاهی و شناخت کافی و لازم از یکدیگر صورت می گیرد و در بسیاری از موارد با بعضی ظاهر بینی ها، گول زدن ها، راست نگفتن ها، مخفی نگه داشتن واقعیت ها، نادیده گرفتن ناتوانی های اقتصادی، جسمی و روان، بیماری ها، خودخواهی ها و ... همراه است، بدیهی است که پایان آن جدایی است.

پسر و دختری که باهم تصمیم به ازدواج می گیرند و می خواهند زندگی مشترک را تشکیل دهند باید از آنها پرسید که هدف آنها از ازدواج چیست؟ یا چه ذهنیتی نسبت به ازدواج دارند؟ آیا فقط ازدواج می کنیم تا نیازهای عاطفی و غریزی خود را برطرف کنیم؟ آیا فقط به خاطر تشکیل خانواده ازدواج می کنیم؟ آیا فقط به خاطر فرزندآوری ازدواج می کنیم؟ آیا بخاطر اینکه این ازدواج در عرف، یک سنت است و لاجرم باید ازدواج کرد، ازدواج می کنیم؟ و آیا بخاطر رسیدن به موقعیت و جایگاه اجتماعی و رشد شخصیت اجتماعی ازدواج می کنیم؟ و ... اینجا سؤالاتی است که از هر پسر و دختر طالب ازدواج پرسیده می شود تا اهداف ازدواج مشخص شود، که البته این سؤالات غالباً خود از اهداف مثبت ازدواج است و سبب رشد و تکامل فردی و اجتماعی خواهد شد. اما این مواردی که ذکر شد، به تنهایی دلیل و هدف ازدواج ها نیست، اگر فقط بخاطر یکی از این موارد ازدواج کنیم در صورت عدم رسیدن به مطلوب و خواسته ی خود از زندگی مشترک منجر به ایجاد مشکل و اختلاف و شکست و در نتیجه طلاق و جدایی خواهد شد پس بهتر است همه اهداف ازدواج را مدنظر خود قرار داده و برای همه ی آنها برنامه ریزی کرده و بر مبنای آنان به طراحی زندگی مشترک خود پردازیم.



تاریخچه طلاق:

تاریخچه طلاق به تاریخچه ازدواج برمی گردد یعنی عمر ازدواج و عمر طلاق برابر است از زمانی که ازدواج وجود داشته و صورت گرفته است، طلاق نیز وجود داشته و صورت گرفته است البته ازدواج و طلاق در زمانهای مختلف، شکل های متفاوتی به خود گرفته است و از طرفی علل و پیامدهای طلاق نیز در زمانهای مختلف، متفاوت بوده است مثلاً در گذشته ممکن است از علت های طلاق، خیانت از طرف زن بیشتر رایج بوده و سبب طلاق شده است اما اکنون با پیشرفت جوامع و ارتباط آنها گستردگی افکار، علل طلاق گوناگون و پیچیده شده است اما آنچه که هست این است که طلاق از گذشته های دور و تا اکنون و در آینده نیز خواهد بود و یک چیز جدیدی نیست، بلکه آنچه که مهم است این است که میزان طلاق در هر دوره با راهنمایی ها و ارائه ی راهکارهای مناسب و عملی کاهش داد.

علل طلاق:

از علت های جدایی و طلاق مواردی را نام می بریم و بعداً این موارد را دسته بندی و مقوله بندی خواهیم کرد:

۱-عدم شناخت لازم و کافی از یکدیگر.

۲-عدم آگاهی از مفهوم ازدواج.

۳-اصرار خانواده ها به ازدواج فرزندان شان به دلایل واهی.

۴-بر اساس قراردادهای و تفکرات سنتی که پایه های لازم علمی را ندارند.

۵-عدم توجه به علاقه و احساس دوست داشتن یکدیگر (یا یکطرفه).

۶-فراز از محیط خانوادگی نامناسب و همراه با فشارهای روانی.

۷-بر اساس نیازهای جنسی و مادی.

۸-تظاهر به توانایی هایی که وجود حقیقی ندارند.

۹-عدم توجه به لزوم هماهنگی های روانی-شخصیتی.

۱۰-عدم توجه به تضادهای فرهنگ خانوادگی.

۱۱-عدم توجه به تضادهای تحصیلی.

۱۲-ترس از تنها ماندن و ...



و بسیاری از موارد دیگر.

واقعیت دارد که میزان طلاق در قرن بیستم، در کشورهای صنعتی رشد فزاینده ای داشته است. تغییر و تحولات ناشی از توسعه صنعت و شهرنشینی، میزان طلاق را در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، نیز در دهه های اخیر به صورت معنی داری افزایش داده است.

تعریف دیگری از طلاق می تواند این باشد که در واقع طلاق یک راه حل اجتماعی پذیرفته شده برای ازدواج هایی است که با موفقیت همراه نیست. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها، احساسات عمومی، تغییر و تحول قوانین را به نفع طلاق پذیرا شده است.

تشریفات و مقررات دادگاه ها در سرعت بخشیدن به موارد بی چون و چرا، کاهش فراوانی پیدا کرده است. از این رو طلاق راهکاری است برای ازدواج هایی که از مدتها پیش مرده اند و ادامه دادن به آنها همانند آب در هاونگ کوبیدن است. در مورد زندگی مشترک، سه حالت وجود دارد (منظور زندگی مشترکی که در آن تعارضات و اختلافاتی که وجود دارد، است). شوهر یا زن در قبال این زندگی مشترک، سه راه و حالت را پیش روی خود می بیند:

اول اینکه سعی می کند این تعارضات و اختلافات را حل کند زیرا این زندگی را هنوز دوست می دارد و برای فرزندان و همسر خود، ارزش و احترام قائل است. حالت دوم این است که تلاش را بیهوده دانسته و از این زندگی دست می کشد و به دنبال جدایی است و حالت سوم، که در آن شخص نه حالت اول را می پذیرد و نه حالت دوم را قبول دارد یعنی نه در جهت بهبود زندگی مشترک قدم برمی دارد و نه برای پایان دادن به آن عملی انجام می دهد و با قبول شرایط نه تنها به ترک رابطه ی خود فکر نمی کند بلکه در آن می ماند و در پی برآوردن نیازهای ناکام مانده ی خود، تن به روابط فرا زن و شوهری می دهد. که این حالت عواقب و عوارض اش به مراتب بیشتر از جدایی است و باعث خیانت به تمام تعهدات اخلاقی و انسانی بین فردی می شود. گرچه عده ای هم در این شرایط هستند اما تن به روابط خارج از چارچوب خانواده نمی دهند و واکنش آنها به فقدان یک رابطه خوب معطوف می شود به سرکوب تمایلات و نیازهای طبیعی خود، که در نهایت با انباشته شدن این خواسته های معقول برآورده نشده در بخش ناخودآگاه ذهن، به صورت عقده های عمیق درونی و سرخوردگی نسبت به خودشان، شریک شان و موقعیت شان در زندگی به وجود می آید و بروز آن به شکل های مختلفی مانند: زود عصبی شدن، غر زدن های مداوم، پرخاشگری، بی حوصلگی، کم طاقت شدن، زود رنجی و ناسازگاری و احساس شکست نمایان می شود به طوری که شخص علت آن را هم نمی داند.

طلاق و جدایی بشدت از سوی دین و انبیاء و اولیاء الهی نهی شده است و آنها همواره سعی می کردند اختلافات بین زن و شوهر را از طریق گفتگو، ارائه مشاوره، تقسیم وظایف و کارها بین زن و شوهر، تعیین حقوق و مسئولیت های آن دو، خاتمه دهند به طوری که به جدایی کشیده نشود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

چنانچه گفته شد اگر تمام مراحل فوق را انجام دادیم مثلاً به روان شناس و مشاوران مراجعه کردیم و تمام کارهایی که لازم است را انجام دادیم اما جواب نداد، می توانیم از طلاق بعنوان آخرین راه حل استفاده کنیم و شاید در ازدواج بعدی، زندگی مشترک بهتر و مناسبی داشته باشیم.

پیامدهای طلاق:

طلاق می تواند نتایج و پیامدهای فراوانی به همراه داشته باشد اگر این پایان زندگی مشترک به سود دو طرف باشد، پیامد مثبت دارد و هر یک از زن و مرد می توانند بعد از طلاق با زن و مردی دیگری ازدواج جدیدی را تشکیل دهند و به آرامش و خوشبختی با تشکیل خانواده جدید برسند اما اگر پایان دادن به این زندگی مشترک صرفاً بخاطر مسائل بود که شاید میشد با تحمل و صبر یکدیگر، فرصت دادن بهم، گذشت و بخشش خطاهای یکدیگر یا مراجعه به مراکز راهنمایی و مشاوره و ... حل شود، بعد از طلاق می تواند تبعات و پیامدهای منفی از جمله پشیمانی، افسردگی و احساس گناه برای هر دو طرف یا طرف مقصر بدنبال زندگی ناموفق او می کنند، به عجز می آید و اگر انسان خودساخته ای نباشد ممکن است منجر به امراض قلبی، مشکلات روحی و روانی و گاه ناامید شدن از زندگی و دست زدن به خودکشی می شود. البته باید گفته شود که جامعه و مردم و کسانی که در میان خانواده ها و اقوام آنها طلاق رخ داده، به نظر این زوجی که الان از هم طلاق گرفته اند، احترام بگذارند و دست به قضاوت آنها و مقصر دانستن یکی از آن دو نزنند اما می توانند، بزرگان فامیل قبل از طلاق با اجازه زوج ها دست به کار شده و مشکلات آنها را شنیده و آنها را راهنمایی کرده و مانع از طلاق شوند. از پیامدهای طلاق هم چنین، فرزندان طلاق می باشد که در ادامه به آن می پردازیم.

مشاجره های پدر و مادر در حضور فرزندان، تأثیرات روحی بدی بر کودکان و نوجوانان ناظر بر صحنه می گذارد و در ایجاد رفتارهای نامتعادل و غیرطبیعی و پرخاشگرانه در فرزندان می شود. مشکلات عاطفی، رفتاری، عزت نفس پایین، افت تحصیلی و روابط بین فردی، صرف نظر از عامل جنس و سن در بین بچه های طلاق بیشتر از دیگر کودکان گزارش شده است.

طلاق مهم ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده است که عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی از جمله عوامل موثر در وقوع طلاق هستند.

در این میان بنظر می رسد بدلیل اهمیت فرهنگ و نقش اساسی آن در طرز تفکر، شیوه رفتار و سبک زندگی افراد یک جامعه، عوامل فرهنگی بعنوان اصلی ترین و در عین حال پنهان ترین عوامل زمینه ساز طلاق باشند. طلاق چنانچه گفتیم آثار و پیامدها و عوارضی را برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته است. آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان به همراه دارد از آن جهت حائز اهمیت است که می توانند زمینه بروز بسیاری از اختلافات رفتاری، روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آنان را به مخاطره اندازد و هم چنین ممکن است پدیده کودک آزاری بعنوان یکی از پیامدهای اجتماعی طلاق در طول فرایند طلاق و پس از آن افزایش یابد. بطور کلی در مواردی که زوجین دارای فرزندان هستند، اثرات طلاق گریبان آنها را می گیرد. حتی می توان گفت آنها از این پدیده بیشترین ضربه را متحمل می شوند بنابر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

تحقیقات گوناگون، نسبت بزهکاری در خانواده های متلاشی شده خیلی بیشتر از خانواده های با دوام است و بی سرپرستی در فرزندان عقده ای روانی ایجاد می کند. دنیای تنهایی این کودکان بسیار غم انگیز و عذاب آور است و روابط اجتماعی آنان دچار اختلال می شود و همین امر بیشتر آنها را بسوی کج روی های اجتماعی سوق می دهد. بررسی کودکانی که والدین آنها از هم جدا شده اند نشان می دهد که آسیب های روحی وارد شده به این کودکان و نوجوانان بسیار شدید است. در مجموع، طلاق برای فرزندان همیشه مبین فاصله ی عمیق و رویدادی ناگوار است، رویدای که بدنبال خود، محرومیت ابدی از عواطف حیاتی والدین را دربر خواهد داشت.

جدایی پدر و مادر یک اثر آنی و زودگذر نیست، بلکه در تمامی مراحل زندگی فرزندان اثرات منفی و زیان باری برجای خواهد گذاشت. پراکنده شدن اعضای خانواده و محرومیت فرزندان از سرپرستی مشترک والدین پس از فروپاشی و ازهم گسیختگی خانواده آنان را از داشتن مواهب و مزایای زندگی خانوادگی محروم می کند و هویت فردی و خانوادگی فرزندان طلاق را مختل می کند. آسیب شناسان اجتماعی بر این باورند که پس از جدایی والدین، مسائل روحی و روانی بسیاری برای فرزندان ایجاد می شود از جمله: مشکلات روانی و جسمانی، تربیتی، احساس گناه و سردرگمی، اختلال در هویت، احتمال گرایش به بزهکاری، عدم تمرکز در یادگیری، افت تحصیلی و ترک تحصیل.

و از آنجایی که طلاق در وضعیت اقتصادی خانواده تغییراتی را ایجاد می کند، منجر به بی تفاوتی و بی ثباتی و ظایف پدر و مادری می شود و بر کیفیت روابط بین والدین و فرزندان تأثیر می گذارد، بهزیستی روانی، کودکان را به مخاطره می اندازد و بدنبال آن کودک را با مشکلات مختلفی همچون نقصان در روابط بین فردی، مشکلات عاطفی و مشکلات تحصیلی مواجه می سازد. و هم چنین پذیرش فرزندان طلاق در جامعه، دارای سختی های خاص خود است که در آینده کودکان طلاق، مانند تحصیل آنان، شغل آنان و ازدواج آنان تأثیرگذار است و ممکن است خیلی سخت در جامعه پذیرفته شوند و بتوانند در آن به ایفای نقش مثبت بپردازند.

با توجه به مطالب بیان شده باید به مسئله فرزندان طلاق و جنبه های مختلف این مسئله، از جمله ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، روان شناختی، اقتصادی و اجتماعی آن توجه نمود و به حل این معضل اساسی از جامعه پرداخته شود.

انواع جدایی و طلاق:

طلاق روانی: در طلاق روانی، شیء محبوب ترک شده و واکنش سوگ در مورد مرگ روابط بروز می کند. گاهی پیش از وقوع طلاق یک دوره سوگواری پیشاپیش مشاهده می شود. جدایی از همسر، شخص را وا می دارد که مستقل باشد و از موقعیت وابستگی خود خارج شود. این جدایی ممکن است بسیار دشوار بخصوص اگر طرفین وابستگی شدیدی به هم داشته باشند(که امری عادی در هر ازدواج است) یا اگر وابستگی یکی از طرفین به دیگری چنان عمیق باشد که از مستقل شدن واهمه داشته



باشد. اکثر افراد در هنگام طلاق از احساساتی نظیر: افسردگی، دوسوگرایی و نوسان خلق شکایت می کنند. مطالعات نشان می دهد که رهایی از آثار طلاق حدود دو سال به طول می انجامد. و در پایان این فرایند، شخص نسبت به خود بی تفاوت شده و هر یک از طرفین هویت تازه ای بعنوان فرد مجرد پیدا می کنند.

طلاق قانونی: طلاق قانونی شامل طی مراحل قانونی و حضور در دادگاه است تا هر یک از طرفین حق ازدواج معبود خود را بدست آورند.

۷۵ درصد زنان و ۸۰ درصد مردان ظرف سه سال پس از طلاق مجدداً ازدواج می کنند. طلاق بدون خطا که در آن هیچ یک از طرفین مقصر شناخته نمی شوند به رایج ترین مکانیزم قانون طلاق تبدیل شده است.

طلاق اقتصادی: تقسیم دارایی زوج، بین آن دو و حمایت اقتصادی از زن موضوع اساسی طلاق است. بسیاری از مردهایی که به دستور دادگاه محکوم به پرداخت نفقه و تأمین مالی فرزندان هستند از این کار سرباز می زنند که خود به یک مشکل اجتماعی تبدیل شده است.

طلاق اجتماعی: شبکه اجتماعی زوج مطلقه تغییرات قابل توجهی پیدا می کند. معدودی از بستگان و دوستان در جمع آشنایان باقی می مانند و تعدادی نیز به این جمع افزوده می شوند که نشان می دهد برای تبادلات اجتماعی تا چه حد همسر به خود متکی بوده است.

طلاق والدین:

طلاق والدین، جدایی یکی از والدین از والد دیگر است. طبیعی است که زندگی پدر یا مادر مجرد با زندگی والدین متأهل متفاوت است.



آمار طلاق در ایران:

آمارها نشان می دهد که درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۶/۳۷ درصد تغییرات منفی داشته است، این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده اند در حالی که در همین زمان، طلاق ۳۲/۵۸ درصد تغییرات مثبت داشته است که نشان از روند کاهشی ازدواج و افزایش طلاق در کشور است که بسیار نگران کننده است. هم چنین یافته های آماری نشان می دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷ از ۵/۱۲ به ۳۱/۷۷ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که نشان بحرانی شدن این شاخص در کشور است.

طرح مسئله:

طرح مسئله طلاق و آوردن موضوع طلاق برای بررسی آن، به این دلیل است که وضعیت طلاق در کشور روندی افزایشی در سالهای اخیر داشته است و وضعیت ازدواج نسبت به طلاق کاهش یافته است پس ضرورت ایجاد می کند که طلاق و علل و پیامدهای آن بیشتر مورد بررسی و کاوش قرار بگیرد تا به ریشه شناسی و بررسی و تجزیه و تحلیل مشکلاتی که سبب طلاق شده اند، آنها را دسته بندی کرده و راهنمای حل مشکلات را نیز توضیح داده تا افراد مجرد و کسانی که قصد ازدواج دارند با مطالعه آن بتوانند در آینده و بعد از ازدواج، بهتر و عمیق و با شناخت کافی و عالی، زندگی مشترک را آغاز کرده و همسر خود و نیازهای او را بهتر شناخته و پاسخ گوی آن باشند و در صورت بروز مشکل یا مشکلات در زندگی مشترک، توانسته آنها را سازماندهی کرده و مدیریتشان کند و با آرامش و طمانینه و سعه صدر و تحمل و صبر به حل مشکلات پرداخته و مانع از پاشیدن این زندگی مشترک بشود. و مسیر تعالی خود و همسر و خانواده خود را با شناخت و آگاهی کامل هموار کند.



مقوله بندی:

اکنون در اینجا علت‌های طلاق را دسته بندی و مقوله بندی می کنیم و به هر مقوله تعدادی کد اختصاص داده می شود و به توضیح هر یک خواهیم پرداخت:

مقوله خانوادگی:

کد: اصرار خانواده ها به ازدواج فرزندان‌شان به دلایل واهی:

یکی از دلایل مصر بودن خانواده ها به ازدواج فرزندان‌شان ممکن است این باشد که سنت دارد بالا می رود و برای ازدواج دیر می شود پس باید هر چه زودتر ازدواج کنی که در نتیجه باعث تسریع ازدواج و بودن شناخت کافی زوجین از هم می شود که این امر می تواند بالعکس هم باشد مثلاً: تا سنت پایین است باید ازدواج کنی و ...

کد: فرار از محیط خانوادگی نامناسب و همراه با فشار روانی.

بعضی افراد بدلیل اینکه بتوانند از فضای ناامن شده خانواده و مشکلاتی که در خانواده به هر دلیلی بوجود آمده فرار کنند، ازدواج می کنند تا به آرامش برسند در صورتی که ممکن است همان فشار روانی را به زندگی مشترک منتقل کرده و باعث طلاق و مشکلات جدید شوند.

کد: عدم توجه به تضادهای فرهنگ خانوادگی:

به هر حال ممکن است دو خانواده ای که باهم وصلت می کنند تضادهای فرهنگی باهم داشته باشند که باید قبل از ازدواج، این تضادها شناخته شود تا بعد از ازدواج باعث اختلاف و ایجاد مشکل و طلاق نشود.

مقوله شخصی و شخصیتی:

کد: عدم توجه به علاقه و احساس دوست داشتن یکدیگر:

در زوجین ممکن است ابراز علاقه صورت نگیرد و اصلاً علاقه ای در کار نباشد یا این علاقه به سردی گراییده و از بین رفته و یا ممکن است دوست داشتن یک طرفه وجود داشته باشد که سبب طلاق می شود.



کد: بر اساس نیازهای جنسی و مادی :

ممکن است کسی فقط بخاطر برآورده شدن نیازهای جنسی یا برآورده شدن نیازهای مادی با شخص دیگر ازدواج کند بودن علاقه و تعهد به او که این باعث بروز مشکلات جدی و طلاق می شود.

کد: عدم توجه به تضادهای تحصیلی:

اختلاف تحصیلی زوجین می تواند سبب اختلاف شود پس بهتر است زوجین تحصیلات برابر داشته باشند یا اگر برابر نباشد حداقل باید قبل ازدواج با تحصیلات همسر آینده خود کنار بیایند.

کد: تظاهر به توانایی هایی که وجود ندارد:

قبل ازدواج و بخصوص دوران نامزدی و عقد بیشتر، پسر ممکن است برای اثبات توانایی های خود به دروغ متوسل شده تا در دل دختر جایی پیدا کند و به او وعده های دروغین بدهد در حالی که بعد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک، مرد به هیچ یک از وعده های خود عمل نکرده و باعث رنجیدن همسر و ایجاد اختلاف و مشکل می شود.

کد: عدم توجه به لزوم هماهنگی روانی-شخصیتی:

باید به نیازها، علایق، عقاید و تفکرات همدیگر قبل ازدواج مطلع شد و هماهنگی شود یا آنها را جویا شد و گرنه بعد ازدواج باعث، بروز مشکلاتی و بعضاً طلاق خواهد شد.

کد: عدم شناخت کافی و لازم یکدیگر:

زوجین باید از هم شناخت کافی و لازم داشته باشند و بطوری که بتوانند حرف ناگفته ی همسر خود را بشنوند و پاسخ های اجتماعی او را هنگام بروز حوادث بدانند و بتوانند آنرا مدیریت و کنترل کنند.



کد: عدم آگاهی از مفهوم ازدواج:

زوجین باید قبل ازدواجشان به مفهوم مشترکی نسبت به ازدواج و حقوق و وظایف خود برسند و هدف خود را از ازدواج شرح دهند تا بعد ازدواج بتوانند توقعات یکدیگر را برآورده سازند.

کد: ترس از تنها ماندن:

ممکن است مشکل و اختلاف زوجین بر سر تنهایی کشیدن طولانی یکی از طرفین بدلیل شغل دیگری باشد.

مقوله فرهنگی:

کد: تضادهای فرهنگی خانواده ها و اینکه زوج ها در دو فرهنگ متفاوت از یکدیگر شده اند:

تفاوت و تضاد فرهنگی و اینکه زوج ها از اقوامی باشند که اختلافات فرهنگی و تفاوتهای فرهنگی دارند باعث طلاق و بروز مشکل های فرهنگی می شود.

کد: تضادهای تحصیلی که پیشتر گفته شد نیز می تواند در این مقوله قرار بگیرد.

مقوله اجتماعی:

کد: ازدواج برای رسیدن به جایگاه و موقعیت اجتماعی: البته این مورد خوب است ولی اگر فقط هدف ازدواج را این قرار دهیم باعث اختلاف و نادیده گرفتن زندگی مشترک می شود.

کد: شغل داشتن زن و عدم رسیدگی لازم به خانواده و زندگی مشترک:

گاهی اوقات ممکن است مرد با شغل داشتن زن (شاغل) مخالف باشد ولی گاهی هم ممکن است راضی باشد ولی زن خواسته یا ناخواسته نمی تواند بین محیط شغل و محیط خانوادگی خود تعادل برقرار سازد و باعث طلاق می شود.

کد: اجتماعی بودن یکی از زوجین و درونگرا بودن دیگری:



یکی از دلایل طلاق می تواند این باشد که مثلاً زن برونگر و مرد درونگر است یا بالعکس که باعث عدم رسیدن به توازن و هماهنگی بین آنها می شود.

کد: توجه زیاد به گروه دوستان و گذراندن وقت با آنها:

اگر زن یا مرد، بیشتر با دوستان خود وقت بگذارند و در هنگام استراحت یا تفریح دوست داشته باشد با آنان گردش کند ممکن است حسادت همسر خود را به همراه داشته و سبب ایجاد اختلاف و طلاق شود.

مقوله روانی:

کد: عدم شناخت کافی و لازم از یکدیگر که پیشتر توضیح داده شد.

کد: عدم توجه به لزوم هماهنگی های روانی-شخصیتی و هیجانی که پیشتر توضیح داده شد.

کد: عدم آگاهی از مفهوم ازدواج که پیشتر توضیح داده شد.

این دسته بندی و مقوله بندی علل طلاق بود که البته فقط اینجا نیستند بلکه ممکن است مقولات فراوان دیگری نیز داشته باشند ولی ما در اینجا به مهم ترین آنها بسنده کردیم و دیدیم که برخی کدها در تعدادی از مقولات مشترک بود و برخی کدها را در چند مقوله قرار دادیم و بررسی کردیم.



گزارش (مصاحبه):

اکنون به پژوهش‌های روایی و روایت و داستان یکی از افراد مطلقه به روش مصاحبه می‌پردازیم:

مصاحبه‌گر: سلام، حال شما خوب است؟

مصاحبه‌شونده: سلام، ممنونم.

م.گر-می‌توانید کمی از ویژگی‌های شخصیتی خود بگویید؟ از علایق و عقاید خود بگویید؟

م.ش-خُب من بسیار انسان آرام و صبور و درونگرا هستم اصلاً اهل دعوا و بگومگو نیستم و سرم در کار خودم است. به عقاید پایبندم و انسانی مذهبی و معتقد هستم و خیلی به ورزش علاقه مندم و نرمش صبحگاهی را دوست دارم. موسیقی گوش می‌دهم و گاهی اوقات برنامه ریز و طراح برنامه نیز در تنهایی خود هستم.

م.گر-شغل شما چیست؟

م.ش-من در یک اداره مشغول به کار هستم. و از طریق همین کار کردن به مرور توانستم برای خود خانه و ماشین بخرم.

م.گر-خُب بریم سر اصل سؤالات، شما کی ازدواج کردید؟

م.ش-سال ۱۳۷۴

م.گر-آیا همسر قبلی شما از اقوام بود یا ناآشنا بود؟

م.ش-دورادور او را می‌شناختم و یک واسطه داشتیم که فامیل هر دویمان بود و من هرگز همسر خود را ندیده بودم.

م.گر-پس خودت او را نخواستی و خانواده اجبارت کردند؟

م.ش-نه، اینطور نیست. من او را دیدم مهر او به دلم نشست و خانواده ام نیز او را پسندیده بودند و مشکلی برای ازدواج نداشتیم.

م.گر-پس ازدواج کردید و زندگی مشترک تشکیل دادید؟ اوایل ازدواج زندگی چطور بود؟

م.ش-بله ازدواج کردیم و یک جشن ساده و در حد آن زمان گرفتیم و اوایل ازدواج خوب بود و مشکلی نداشتیم.

م.گر-پس از کی مشکلات شما شروع شد؟



م.ش-حُب مشکلات ما در گذر زمان شروع شد من دختر اولم سال ۷۶ به دنیا آمد و سعی کردم خلاهای خودم را با محبت با او جبران کنم.

م.گر-مگر خلا داشتید؟ چرا؟ مگر همسرتان جبرانش نمی کرد؟

م.ش-حُب بهر حال وقتی به اخلاق و خُلقیات همسرم پی بردم همیشه گذشت می کردم و چون انسان صبوری بودم به کسی چیزی نمی گفتم و سعی می کردم تمام انگیزه و هدف خود را صرف دخترانم کنم. دختر دومم سال ۸۶ متولد شد.

م.گر-خُلقیات همسرتان چگونه بود؟

م.ش-حُب من انسان درونگرایی هستم ولی او برونگرا بود و تاملگرا بود و بسیار ولخرج بود در حالی که من اسراف را دوست نداشتم و همیشه قناعت می کردم.

م.گر-فقط بخاطر اینها او را طلاق دادید؟

م.ش-نه، اما رفته رفته اعتماد نسبت به او را از دست دادم چون او در اواخر احترامی برای پدر و مادرم قائل نمیشد و با آنان بدرفتاری می کرد.

م.گر-بدرفتاری او به چه دلیل بود؟ و چگونه بود؟

م.ش-دلیلش این بود که او می گفت پدر و مادر تو بروز نیستند و من و تو را درک نمی کنند و می خواهند ما همچنان مثل گذشته ها باشیم و از چیزهایی تازه جهان بهره مند نشویم.

م.گر-آیا پدر و مادرتان اینگونه تفکراتی داشتند؟

م.ش-نه، ولی حُب مادرم همیشه همسرم را به قناعتگری، خوش رفتاری، تربیت فرزندان و فرزندآوری نصیحت می کرد ولی همسرم از نصیحت متنفر بود.

م.گر-چگونه با آنها بدرفتاری می کرد؟

م.ش-مثلاً وقتی پدر و مادرم به خانه ما می آمدند من خودم از آنها پذیرایی می کردم و او غذا تدارک نمی دید و من مجبور بودم از بیرون غذا تهیه کنم.

م.گر-خب این مسائل شاید برای همه طبیعی باشد فقط بخاطر همین ها او را طلاق دادید؟



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

م.ش-نه، گفتم من صبورم و بسیار آبرومند ولی رفتارهای او به اینها خاتمه نیافت و مدام مرا تحقیر می کرد و سرکوفت مردان فامیل را به من می زد. که بین آنها برای زنان چه می کنند و این کار را می کنند آن کار را می کنند.

م.گر-خُب چرا این کارها را برایش نمی کردید؟

م.ش-چرا می کردم اما آرزوهای او سقف نداشت و بلندپرواز و جاه طلب بود.

م.گر-دلیل اینکه بهر حال سرآغاز تصمیم طلاقتان بود؟ از کجا بود؟

م.ش-روزی من در خانه استراحت می کردم و او هم بود که ناگهان زنگ در را زدند و پلیس بود و خواستند مرا ببرند گفتم به چه علت؟ گفتند شما به روی همسرتان چاقو کشیده اید و به همسرم نگاه کردم و گفتم چاقوا!

او هم خود را به گریه زد و گفت شوهرم مرا با چاقو تهدید کرد و من هم ترسیدم و به پلیس زنگ زدم. بهر حال آنروز من هر جور شده توضیح دادم و پلیس ها را روانه کردم خودم هم خانه نماندم و به خانه پدرم آمدم.

م.گر-دلیل این کار ناگهانی او چه بود؟

م.ش-نمی دانم. شاید می خواست از دست من خلاص شود و آزادانه زندگی کند.

م.گر-خُب بعدش چی؟

م.ش-فردایش سرکار رفتم و گفتند همسرت اینجا آمده و حرف های بی ربطی در مورد تو زد و رفت.

م.گر-چه حرف هایی؟

م.ش-قضیه دیشب را گفته بود و مرا مقصر دانسته بود و بهر حال می خواست آبرویم را پیش همکارانم ببرد.

م.ش-من هم تصمیم گرفتم که طلاق بگیرم و این کار را کردم چون دیگر تحمل تمام شده بود و او هم تقاضای مرا پذیرفت و طلاقش دادم.

م.گر-فرزندانتان چه شد؟

م.ش-گاهی نزد مادرشان هستند و گاهی هم خانه ما می آیند.

م.گر-شما ازدواج کردید؟

م.ش-بله، من ازدواج مجدد داشتم و الان از زندگیم راضی هستم.



م.گر-خدا رو شکر

م.گر-فرزندانتان کمبود مادرشان را احساس نمی کنند؟

م.ش-بهرحال دلشان تنگ شود مادرشان را می بینند ولی کلاً با آنها زندگی خوبی دارم و آنها نیز مرا درک می کنند.

م.گر-انشالله در زندگی جدیدتان موفق باشید. ممنونم از همکاریتان.

م.ش-خواهش می کنم. هم چنین موفقیت شما.

در این مصاحبه و گزارش هم مقولات فرهنگی و خانوادگی داشت و هم مقولات شخصی و شخصیتی و هم مقولات روانی. ما در این مصاحبه فقط شنونده بودیم و قضاوت در اینکه کلام یک از این دو زوج راست می گویند نمی دانیم چرا که بهر حال باید صحبت های زن سابق را هم شنید. اما آنچه که مهم است این است که با یکی از افراد مطلقه مصاحبه داشتیم و تجربه ی خود را در زمینه طلاق برایمان شرح داد.

تعریف عملیاتی:

طلاق: یک راه حل اجتماعی پذیرفته شده برای ازدواج هایی است که با موفقیت همراه نیست.

مطلقه: زوج هایی که از هم طلاق گرفته اند مطلقه نامیده می شوند.

فرزندان طلاق: زن و مردی که از هم جدا می شوند فرزند یا فرزندانشان ، فرزندان طلاق نامیده می شود.

نفقه: تأمین هزینه های متعارف زندگی زن مانند خوراک، پوشاک ، مسکن و از لحاظ مالی، توسعه مرد، نفقه نامیده می شود.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله، روش تحقیق کیفی است که در آن فقط بدنبال تبیین و روایت هستیم نه بدنبال عدد و رقم و تاثیر.

از روش های تحقیق کیفی: مشاهده میدانی، مصاحبه، گزارش و ... است.



نتیجه گیری:

در این پژوهش روایی ما با استناد به تجربه ی زیستی دیگران در زمینه طلاق و با استناد به مقالات و کتابهای معتبر در زمینه ی طلاق، این بحث طلاق را باز کرده و بررسی کردیم. نتیجه اینکه این مقاله می تواند مورد استفاده زوج های جوان قرار بگیرد و با راه و روش های زندگی کردن آشنا شوند تا بهتر بتوانند مشکلات زندگی مشترک خود را حل کنند و آنها را مدیریت کنند که تا جایی که ممکن است به طلاق کشیده نشود و در واقع این مقاله به شرح طلاق پرداخت تا این معضل در جامعه بشری کمتر شده و در نتیجه پیامدهای حاصل از آن اتفاق نیفتد چرا که این پیامدها هم بر فرد و هم بر جامعه تأثیرات منفی برجای خواهد گذاشت و از آنجا که آسیب های پس از جدایی طلاق جامعه را از لحاظ فردی، اجتماعی و فرهنگی با مشکلات متعدد روبرو می سازد که حل نمودن هر یک از آنها آسانتر از حل معضل طلاق نیست. بجاست بطور جدی با انجام مطالعات جامع پیرامون این دسته از عوامل و ارائه راهکارهای مناسب، به حل این معضل اساسی از جامعه پرداخته شود.

پیشنهادات:

با توجه به این شرایط طلاق که روند افزایشی دارد موکداً توصیه می شود که زوج ها قبل از ازدواج به یکدیگر این فرصت را بدهند که هم دیگر را بهتر بشناسند و عقاید و تفکرات و خلیقات یکدیگر را بهتر بدانند تا بعد ازدواج با مشکلاتی مواجه نشوند که ادامه زندگی را سخت و غیرممکن سازند و منجر به طلاق شود که اگر در این زندگی مشترک فرزندی نیز باشد، صدماتی که این فرزند در اثر طلاق والدینش می خورد اگر از خود والدین بیشتر نباشد قطعاً کمتر نیست و این فرزند هم ، فرزند طلاق نامیده می شود در صورتی که مقصر او نیست که بدون شناخت علایق و تفکرات هم، با یکدیگر ازدواج کرده و بعداً منجر به طلاق شده است. پس بهتر است قبل از ازدواج ، زوج ها خوب تحقیق کرده و در صورت لزوم به مراکز راهنمایی و مشاوره در خصوص ازدواج مراجعه کنند.

تقدیر و تشکر:

از همه ی کسانی که ما را در گردآوری این مقاله کمک کردند و بخصوص کسانی که از آنها نظر خواسته شد و مصاحبه گرفته شد تشکر و قدردانی می کنیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

منابع:

- اثرات جدایی و طلاق والدین-نویسنده بهاره ذوالفقاری-منبع:رشد آموزش پیش دبستانی-زمستان ۸۹-شماره ۹.
- جدایی و طلاق-نویسنده غلامحسین عسگری-منبع:فصلنامه بهداشت روان سال ۸۶-شماره ۱۹.
- کتاب طلاق پایان یا آغاز-مؤلفان:پویان رجبی، مجتبی معراجی
- کتاب فرزندان و طلاق (مورد پژوهش روانی-اجتماعی فرزندان پس از جدایی والدین)-مؤلفان:محمدصادق زارچی-مسعود غلامعلی لواسانی-سحر صمدی کاشان.

پایان